

# ● سیاست خارجی و نگرانی از افراط و تفریطها

اشرف بروجردی

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران همراه با حفظ ارزشها و احیای آنها بود و موجب تطبیق دقیق بسیاری از واژه‌ها با وقایع و حوادث شد. یکی از این واژه‌ها مفهوم سیاست خارجی اسلام بود، که یک نظام اسلامی براساس معتقدات خود باید بدان پایبند باشد؛ یعنی تحقق همان جمله معروف مرحوم مدرس که فرمود: سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست؛ و نیز تحقق عملی فرموده قرآن، که می فرماید: «دینا ایها الذین آمنوا تسولنا عن عدوی وعدوکم اولیاء ان استعینوا بکفر علی الایمان...» واقع سیاست خارجی هر کسی نبود جز بنیانگذار این نظام و ترسیم کننده خط کلی انقلاب اسلامی، امام عزیز و گرانمایه‌مان امام خمینی (قدس الله نفسه)، ارتباط مازایا کشورهای دیگر. بر این اساس می دانستند که آن کشورها نخواهند سلطه‌ای را بر ما و دیگر مسلمانان جهان اعمال کنند و روابط، براساس احترام به حقوق یکدیگر و حفظ آزادیهای کشور باشد بر این اساس، سیاست خارجی ما بر مبنای داشتن روابط حثه با تمامی کشورها ترسیم شد، مگر آنکه کشوری بخواهد از طریق این ارتباط، سلطه خود را اعمال کند، که در چنین صورتی جمهوری اسلامی ایران اجازه هیچ نوع ارتباطی را با آنها نمی دهد. البته کشورهای غاصب از این مقوله خارج



## \* پس از شروع جنگ امریکا

# علیه عراق با کشورهای روابط سیاسی برقرار شد که تا دیروز آنها را اسرائیلی و آمریکایی خطاب می کردیم.

طرف جمهوری اسلامی ایران، تلاش و رقابتی وسیع در سطح بین المللی برای ایجاد ارتباط با ایران آغاز شد که بعضاً اهداف سیاسی و با اقتصادی (سرمایه گذاری برای بازسازی) و فرهنگی را به همراه داشت. طبعاً به بسیاری از این تمایلات از سوی جمهوری اسلامی ایران پاسخ مثبت داده شد و این وضع تا جایی پیش رفت که از سوی بعضی از دست اندکاران زمزمه ارتباط مستقیم با سردمدار کفر و استبداد (آمریکا) سرداده شد، که طبعاً با عکس العمل شدید بعضی از انقلابیون روبرو شد. اما روند ارتباطات دیپلماتیک، سیر خود را طی می کرد تا اینکه به دنبال اشغال کویت از سوی عراق و قدرت طلبی صدام، جنگ در خلیج فارس بر علیه عراق از طرف آمریکا و متحدینش آغاز شد. و ایران به عنوان یک کشور مسلمان و نیز همسایه عراق و بزرگترین قدرت در منطقه خلیج فارس نمی توانست بی تفاوت باقی بماند. اما این بار برای حل و فصل بحران خلیج فارس با کشورهای روابط سیاسی برقرار شد که تا دیروز مواضع آنها هم جهت و هم سویا آمریکا و اسرائیل بود و ما آنها را اسرائیلی و آمریکایی خطاب می کردیم - همچون اردن و خود عراق - یعنی ما امروز برای حل و فصل بحران، میزبان کسانی هستیم که تا دیروز دستشان بخون جوانان ما آلوده بوده است. طبیعتاً این روابط، سنوالاتی را در

هستند، چون اصولاً وجود آنها مشروعیت ندارد که ارتباط با آنها بخواهد مشروعیت داشته باشد و لذا ما می بینیم که اولین حرکت انقلابی اسلامی ما در این زمینه قطع ارتباط با متجاوزین زورگو، همچون اسرائیل و آفریقای جنوبی در همه زمینه ها - اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ... - بود. این سیاست پس از تحمیل جنگ بر جمهوری اسلامی - از آنجا که نبض تبلیغات جهانی بر علیه انقلاب اسلامی بود - کشورهای بیشتری را در بر گرفت، به طوری که روابط ما، با بسیاری از کشورهای منطقه و جهان (اردن و مصر ...) قطع شد و یا به سردی گرایید (کویت و عربستان ...) - ناگفته نماند که در همه موارد، این ایران نبود که تمایل به قطع ارتباط داشت، بلکه از آنجا که دشمنیهای این کشورها با جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف تجلی می کرد، کشور ما ناگزیر از اتخاذ چنین تصمیمی می شد. در هر حال، این سیاست، در همه موارد موجب افزایش حمایت ملت‌های ستم دیده از جمهوری اسلامی ایران شد. آنها سرزمین مقدس ایران اسلامی را مدینه فاضله خود می دانستند که گردانندگان آن پرهیزکارانی بودند که اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی را پاس می داشتند. این روند ادامه داشت تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل. بلافاصله پس از پذیرش قطعنامه از

**\* بر اساس رهنمود امام (ره)**  
**سیاست خارجی ما بر مبنای داشتن روابط حسنه با تمامی کشورها ترسیم شده مگر آنکه کشوری بخواهد از طریق این ارتباط، سلطه خود را اعمال کند.**

اذهان ایجاد کرده است. مردم سوال می‌کنند که آیا تغییری در مواضع جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است؟ آیا پس از ده سال مبارزه با مستکبرین و جهانخواران که بر مبنای اصول اعتقادی انجام می‌شده، آن اصول فراموش شده‌اند؟ یا از مبارزه کردن خسته شده‌ایم؟ براساسی این چرخش ناگهانی براساس کدامیک از ضوابط و معیارهاست؟ ما که شاه‌حسین را دلال آمریکا می‌دانستیم. چگونه است که برای حل بحران منطقه ارتباط با اردن را در رأس امور قرار می‌دهیم؟ به هر حال، این سیاست گام به گام و حساسیت‌زدایی مرحله‌ای موجب نگرانی‌هایی در میان امت حزب‌الله شده است. و لذا برای پاسخ به سؤالات فوق‌برآن شدیم تا نظر سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی ایران را جویا شویم، که اجمال پاسخها چنین است:

یکی از اصولی که امام عزیز برآن تکیه داشتند، صدور انقلاب به تمامی جهان بود، و به عبارتی دعوت به ایجاد یک امت واحد براساس فرموده ذات حق تعالی، که می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحق و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن». و براساس آنچه امام

بر آن تکیه می‌فرمودند که ما فقط با کسانی که قصد سلطه طلبی بر ما را دارند روابطمان را قطع می‌کنیم، همان طور که در وصیتنامه شان این مطلب را فرموده‌اند: «و وصیت من به وزیرا خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند و از هر امری که شائبه وابستگی یا همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند مسکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد لکن در نتیجه ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست» و با توجه به اینکه اگر دیر حرکت کنیم، آنهایی که هیچ صلاحیتی برای رهبری جهان اسلام را ندارند، با عوام فریبیهای خود و تحمیل ملتها، آنها را به زیر سلطه خود خواهند کشید و انقلابی که خونهای گرانبهای بر پای آن ریخته شده تا اصولش بر جهان حاکمیت داشته باشد، به فراموشی سپرده خواهد شد. بخصوص اگر شعار این مدعیان رهبری جهان اسلام! مبارزه با آمریکا و نابودی اسرائیل باشد! به طوری که حتی مترقی ترین رهبران مسلمانان فلسطین، مدعیان چنین شعارهایی را فرستادگان خدا دانسته، اطاعت از اوامر آنها را واجب می‌دانند (اشاره به سخنان شیخ تمیمی امام جماعت نوار غزه در مورد صدام)، بنابراین وظیفه مسئولین نظام مقدس اسلامی است که عقاید حقه خود را تبلیغ کنند و این امر ضرورتاً حضور ما را می‌طلبد و ابزار این حضور، ارتباط با دولتها و به قول امام عزیز بیدار کردن دولتمردان است تا بدین وسیله بتوان اسلام ناب محمدی را در میان ملتها اشاعه داد. نمونه‌اش دیدار رهبران جمهوری اسلامی ایران و حتی مقام معظم رهبری با رهبران اخوان المسلمین

اردن بود، که به دنبال ایجاد روابط سیاسی با اردن، این دیدارها محقق شد. خصوصاً در این عصر که عصر بیداری ملت‌هاست، اگر این روشنگریها انجام نشود، می‌رود تا بار دیگر، ملت‌ها اسیر اسلام آمریکایی و تحقیر و خرافه‌پرستی امثال وهاب‌ها گردند. از این گذشته در شرایطی که کفار دست در دست یکدیگر دارند تا امت اسلامی را به نابودی بکشانند و حضور نیروهای چند ملیتی در منطقه شاهد این مدعاست و حکایت از آن می‌کند که دشمنان اسلام می‌کوشند که حاکمیت سلطه اسرائیل را بر منطقه گسترش دهند، اگر کشورهای اسلامی دچار همان تشنگی همیشگی باشند و وحدتشان در تفرقه‌شان تجلی کند، راه برای سلطه‌طلبی کفار بازتر می‌شود. اما اگر دولت‌های کشورهای اسلامی با یکدیگر روابط دوستانه داشته باشند، اگر چه بسیاری از آنها دست‌نشانده همان کفار هستند، اما برای جلوگیری از خشم توده‌ها قادر نخواهند بود رسماً سرمهردگی خویش را اعلام نمایند. و همین امر موجب یک اتحاد نسبی در بین دولت‌ها خواهد شد و به تبع آن، اتحاد ملتها امکانپذیر خواهد شد. اخبار روزانه اعتراضات مسلمانان در گوشه و کنار جهان بر علیه جنگ خلیج فارس، حکایت از این اتحاد نسبی می‌کند و همین حجت را بر جمهوری اسلامی تمام می‌کند تا هم‌نوا با دیگر ملل اسلامی تلاش‌های گسترده خود را برای پایان بخشیدن به جنگ خلیج فارس دنبال کند. مسلماً تحقق این امر با ایجاد روابط سیاسی با کشورهایی که به نحوی در این جریان سهم و شریک هستند، ثمرات خوبی بهمراه خواهد داشت، که مهمترین آنها عبارت است از همسوس حرکت کردن کشورهای اسلامی بر علیه کفار و همین امر موجب می‌شود تا آنها در تصمیم‌گیریهای خود محتاط‌تر عمل کنند، اصولاً این ویژگی همه مستکبرین است که اگر نه‌اجمی به آنها صورت گیرد عقب‌نشینی خواهند کرد و این تجربه را ما هم در طی ۸ سال جنگ بلدست آورده‌ایم و هم اکنون دیدیم که چگونه بی‌درنگ پس از آنکه رهبر معظم انقلاب در مورد حضور آمریکا در منطقه

فرمودند: «هرکس با آمریکا و حضورش در خلیج فارس مبارزه کند حکم مجاهد را دارد». بلافاصله آمریکا اعلام کرد که ما به ایران قول می‌دهیم که پس از پایان جنگ از منطقه خارج خواهیم شد. از همه اینها گذشته، باید به این نکته توجه داشته باشیم که دست‌اندرکاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران - از مقام معظم رهبری گرفته تا ریاست محترم جمهوری و دیگر مسئولین - همه از دلسوختگان و پیشاتازان اسلام و حامیان بحق خط امام و مجربان واقعی اصول اسلام و انقلاب هستند، لذا خود برای حفظ مصالح اسلام و انقلاب اسلامی گام‌های مناسب را برمی‌دارند.

جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای همه مسئولین نکاتی چند را یادآور می‌شود:

۱- از مسئولین محترم می‌خواهیم که در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیشتر با مردم سخن بگویند و اذهان را روشن نمایند و سیاست خود را تشریح کنند. البته اگر این امر با بیان کردن نظرات دیگران و پاسخگویی به سؤالات همراه باشد، نتیجه مطلوب‌تری را به دنبال خواهد داشت. این امر، هم حربه را از دست مخالفین نظام اسلامی می‌گیرد و هم اعتماد مردم را به مسئولین خود افزایش می‌دهد و موجب استحکام روابط آنها می‌شود.

۲- در همه موارد، رعایت حد اعتدال مطلوب است؛ بنابراین افراط و تفریط در روابط با بعضی از کشورها موجب تضعیف اصول سیاست جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

۳- بنابه اظهار مسئولین چهارهزار اسیر دیگر در عراق می‌باشند لازم است دولت عراق تحت فشار قرار گرفته شود تا به تمهیدات خود که آزادی تمامی اسراء بوده است عمل نماید. و نکاتی دیگر که انشاء الله در فرصت مناسب دیگری ارائه خواهد شد.